

بررسی نقش پلیس در پیشگیری و مقابله با قاچاق زنان و دختران

حمید وطن خواه^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۲۵

چکیده

این مقاله با هدف بررسی وضعیت قاچاق زنان و دختران در ایران و سایر کشورها، عوامل و ساختارهای آسیب زای اجتماعی زنان و دختران و راهکارهای مقابله با این عوامل از سوی نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های مرتبط، نگارش یافته است. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اطلاعات و مستندات حاصل از اسناد موجود در کتب و مقالات مرتبط بوده است.

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که:

۱- قاچاق زنان و دختران تجارتی پرسود است که علیرغم مجازات‌های شدیدی که در ایران و سایر کشورها به همراه دارد، باندهای مافیایی بزرگی را به خود مشغول کرده است لذا کم‌کاری در زمینه پیشگیری و مقابله با این جرم سازمان یافته، می‌تواند نتایج اجتماعی خطرناکی به دنبال داشته باشد.

۲- در همه جوامع عوامل و ساختارهای آسیب زای اجتماعی زنان و دختران وجود دارند ولی میزان آن در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه (جوامع فقیر) بیشتر است لذا از بین بردن این زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، از مؤثرترین اقداماتی هستند که می‌توانند در راستای مقابله با قاچاق انسان صورت گیرند.

۳- هرچند نیروی انتظامی (پلیس) در کشورمان، تاکنون در مقابله با جرم قاچاق انسان تلاش‌های زیادی نموده و در کنترل این پدیده در کشور نقش مؤثری داشته است، لیکن مقابله با عوامل آسیب‌زا در این زمینه نیازمند همکاری و مشارکت نزدیک و مستمر همه دستگاه‌های مسئول با یکدیگر و با نهادهای اجتماعی غیردولتی (NGOها) از یک سو و برقراری تعاملات تنگاتنگ پلیسی و قضایی با سایر کشورهای همسایه و ذینفع از سوی دیگر است.

کلیدواژه‌ها

قاچاق زنان و دختران، امنیت اجتماعی، نیروی انتظامی (پلیس)، عوامل آسیب‌زا، راهکارهای پیشگیرانه

مقدمه

امروزه یکی از شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها چگونگی بهره برداری از منابع نیروی انسانی است. میزان جمعیت فعال و غیرفعال و جویای کار در کشورهای توسعه یافته تفاوت چشمگیری در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته دارند. تحلیلگران یکی از دلایل پایین بودن آمار جمعیت فعال این کشورها را مشارکت پایین زنان می دانند. از همین رو موضوع اشتغال زنان با شروع حرکت های دفاع از حقوق زنان در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی، همواره یکی از موضوعات مورد توجه بوده است. از یک طرف فشارهای اقتصادی بر خانواده های بی سرپرست یا کم درآمد زنان را مجبور به کار خارج از خانه کرده و از طرف دیگر زنان بسیاری در تلاش برای کسب منزلت اجتماعی و استقلال اقتصادی نیازمند کار می باشند ولی به دلیل عدم وجود بسترهای لازم برای اشتغال، با ناکامی مواجه می شوند و ممکن است به دست گروه های بزهکار که با توجه به وضعیت موجود، در پی سوء استفاده های مختلف از آنها (از جمله قاچاق به سایر کشورها برای بهره برداری های جنسی) می باشند گرفتار شوند.

قاچاق زنان، یکی از معضلات و آسیب های اجتماعی است؛ که به گونه ای روبه رشد تقریباً همه جوامع را دربر گرفته است. قاچاق زنان موجب می شود بسیاری از زنانی که در گریز از فقر و جستجوی یافتن یک زندگی بهتر به ترک خانه و میهن خود دست زده اند، نه تنها به آن دست پیدا نکنند، بلکه بیش از پیش در گردابی فرو روند که هیچ راه گریزی از آن نمی توان یافت. بسیاری از این زنان که اسیر دست قاچاقچیان انسان می شوند، تنها قصد دارند با پیدا کردن کاری نسبتاً پردرآمد، خود و خانواده خویش را از فقر شدیدی که گرفتار آن هستند برهانند، اما در این راه گرفتار شبکه های جنایتکار قاچاق می شوند و سرنوشتی بارها سیاه تر از آن چه که در میهن خود داشته اند پیدا می کنند (اشتری، ۱۳۸۱).

بیان مسأله

مسئله ای که در این تحقیق به آن پرداخته می شود، نقشی است که پلیس در پیشگیری و مقابله با باندهای قاچاق انسان ایفا می کند و مشکلاتی که در این زمینه، فراروی آن قرار دارد.

روشن است باندهای پیچیده قاچاق زنان، از امکانات و منابع قابل توجهی برخوردارند که ممکن است منشاء این امکانات خارجی یا داخلی باشند. از سویی سود سرشاری که در نتیجه ارتکاب این جرم برای گروه های خلافکار به وجود می آید، باعث می شود تا این گروه ها از کلیه امکانات خود استفاده نموده و با بکارگیری انواع حربه ها و روش های متقلبانه، سعی در دور زدن قانون و خنثی نمودن اقدامات نیروهای پلیس نمایند که این موضوع، ایجاب می نماید تا پلیس نیز در مقابله با این باندهای مجرم، از امکانات و توانایی های ویژه ای برخوردار شود تا بتواند پیشگیری و مقابله با جرم قاچاق زنان را به نحو مطلوب به انجام رساند.

از سویی با توجه به بین المللی بودن جرم قاچاق انسان، موفقیت در برنامه های مقابله ای، نیاز به هماهنگی ها و تمهیدات ویژه ای با کشورهای همسایه و نیز با سایر کشورهای ذینفع دارد تا بتوان از نفوذ باندهای مافیایی قاچاق انسان در سیستم های دولتی جلوگیری و اقدامات آنان را به صورت هدفمند و به هنگام مورد شناسایی قرار داد که در حال حاضر اقدامات مؤثری در این خصوص مشاهده نمی شود لذا خود باعث افزایش ارتکاب جرم و جری شدن مجرمین می شود تا به سود سرشار خود در این تجارت نامیمون بیافزایند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروز علی رغم ایجاد تحوّل در معادلات جهانی و مناسبات انسانی، بسیاری از صاحب نظران معتقدند که قاچاق سازمان یافته زن در جهان، توسط گروه های مافیایی در حال تبدیل به تجارتی پر سود شده است که کم کم از لحاظ سودآوری در جایگاهی برتر از قاچاق اسلحه و مواد مخدر قرار خواهد گرفت. این تجارت با وجود اینکه برای برخی،

سودهای کلان به همراه دارد، اما برای کالای مورد تجارت (زنان) چیزی جز خشونت، تحقیر و استثمار نبوده است. زنان را به چنین اسارتی در آوردن، مستلزم استفاده از خشونتی غیرقابل توصیف است؛ خشونتی که منجر به بی هویتی زن شده تا بتواند او را تحت نفوذ هویت کارفرما قرار دهد.

بدیهی است که چنین جرمی از نظر آموزه های اسلامی رایج در نظام و کشور ما، جرمی بزرگ و ضد انسانی تلقی می شود که افرادی بیگناه را به دلیل کمبود امکانات مالی و فرهنگی، در معرض فساد و سوء استفاده توسط باندهای فاسد و سودجو قرار می دهد لذا با توجه به جنبه های ضد اسلامی و ضد انسانی آن، جزو جرایمی قرار می گیرد که حساسیت ویژه ای برای برخورد با آن در نظام وجود دارد و کلیه مسئولین قضایی و انتظامی در خصوص برخورد مستمر و مشدد با آن، اتفاق نظر دارند؛ اما در راهکارهای مبارزه با این جرم مشکلاتی وجود دارد که نتیجه پیچیده بودن اقدامات و روش های باندهای عمل کننده و کمبود مقدمات و اطلاعات نیروهای مقابله کننده با آنهاست.

از سویی، قرار گرفتن کشورمان در مسیر انتقال و قاچاق زنان از کشورهای آسیای میانه به کشورهای اطراف حوزه خلیج فارس و دریای عمان نیز از دیگر مسایلی است که ضرورت تحقیق در این باره را افزایش می دهد.

روش تحقیق:

روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و مبتنی بر اطلاعات و مستندات حاصل از اسناد موجود در کتب مرتبط، مقالات منتشره و اینترنت بوده است.

مفاهیم پیشگیری و مقابله با جرم:

الف- پیشگیری از جرم:

از نظر کارشناسان جرم شناسی و صاحب نظران این رشته، پیشگیری از جرم دارای سه سطح می باشد: (جهانتاب، ۱۳۸۹، ۱۵).

۱- پیشگیری اولیه (نخستین):

شامل مجموعه اقدامات، سیاست ها و برنامه هایی است که سعی در تغییر و کنترل شرایط جرم زای محیط زندگی دارد تا با بهبود بخشیدن به شرایط اجتماعی، از ارتکاب هر نوع جرمی توسط آحاد جامعه پیشگیری نماید. در این مرحله، تلاش بر این است که افراد جامعه به سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند و مستلزم کاهش فرصت های ارتکاب جرم (بدون توجه به مجرمین) می باشد. تقویت برنامه های رفاه اجتماعی و کاهش فقر، پیش بینی برنامه های آموزشی و تفریحی سالم برای پرکردن ساعت فراغت نوجوانان و جوانان و آگاه سازی آنان نسبت به عواقب ارتکاب جرایم، فراهم کردن فرصت های برابر، برای اشتغال و زندگی برای همه مردم از جمله اقداماتی است که در پیشگیری اولیه می تواند مورد توجه قرار گیرد.

۲- پیشگیری ثانویه (دومین):

در این مرحله از پیشگیری، تلاش های پیشگیرانه برای کنترل افراد خاصی که در معرض بزهکاری قرار دارند متمرکز می شود و شامل برنامه هایی است که برای افراد در معرض خطر در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال در پیشگیری از قاچاق زنان، تمرکز تلاش ها در این نوع پیشگیری بر روی افرادی است که در نقاط مستعدتر و دارای سابقه قاچاق انسان زندگی می کنند و یا به علت فقر اقتصادی، بیشتر در معرض خطر گرفتار شدن در دام قاچاقچیان انسان قرار دارند.

جذب این گونه افراد به کلاس های آموزشی و بهسازی شخصیت، کمک به حل مشکلات مالی و خانوادگی آنان از طریق نهادهای مسئول، آموزش اعضای خانواده و نزدیکان این افراد برای کنترل غیرمستقیم یا مستقیم آنان و چگونگی برخورد با سوء رفتارهای آنان از جمله اقداماتی است که در این مسیر می تواند مد نظر قرار گیرد.

۳- پیشگیری ثالثه (سومین):

در این مرحله، اقدامات پیشگیرانه بر جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی مجرمان متمرکز می‌گردد. تلاش‌های پیشگیرانه در این مرحله، برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان اصلاح و با محیط اجتماعی خود سازگار شوند و به ارتکاب جرم مجدد گرایش پیدا نکنند. اقداماتی نظیر مداخله کیفری درباره جرایم و نیز پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای تنبیه و تربیت مجرمان و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان از جمله اقداماتی است که در این مرحله به آنها پرداخته می‌شود.

ب- مقابله با جرم:

اقدامات مقابله‌ای با جرم، به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که در راستای کسب اطلاعات از وضعیت مجرمین، دستگیری آنها به همراه شواهد و قراین لازم توسط ضابطین قضایی و در نهایت مجازات مجرمین توسط دستگاه قضایی صورت می‌گیرد.

درواقع اقدامات مقابله‌ای با جرایم و مجرمین، آخرین حلقه از زنجیره کنترل جرایم توسط نهادهای مسئول است که مستقیماً به افرادی می‌پردازد که عملاً جرم را در سطح جامعه به انجام می‌رسانند (برخورد با مجرمین). در این مرحله، کمتر به وضعیت شخصی مرتکبین جرم توجه می‌شود و صرف نظر از اینکه مجرمین با چه دلایلی به ارتکاب جرم پرداخته‌اند، مجازات خواهند شد، هر چند ممکن است به علت جهات مخففه یا مشدده، میزان مجازات آنها با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشد که همه این موارد، در قوانین پیش‌بینی شده است.

مفهوم قاچاق زنان و دختران:

قاچاق زنان در عرف بین‌المللی با واژه‌هایی مانند: خرید و فروش زنان، بردگی زنان، تجارت سفید، مافیای انسان، بردگی مدرن، باندهای بین‌المللی فحشا و نظایر این‌ها شناخته شده است.

پروتکل «جلوگیری، ممانعت و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان» مکمل «کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته بین المللی» (ماده ۳، بند الف)، قاچاق انسان را این گونه تعریف کرده است: اصطلاح «قاچاق انسان» به هر گونه استخدام، انتقال، دست به دست نمودن، پناه دادن و پذیرفتن اشخاص به وسیله تهدید یا با استفاده از زور یا انواع دیگر اجبار، فریب، تقلب، اغواء، سوء استفاده از قدرت به صورت رضایتمندانه یا با دادن یا گرفتن پول یا کسب منفعت، برای جلب رضایت شخصی که روی شخص دیگر نفوذ و کنترل دارد، اطلاق می شود، البته به شرطی که به هدف استثمار و سودجویی صورت گرفته باشد. استثمار اطلاقاً شامل استثمار از فحشا یا هر نوع استثمار جنسی از دیگران، کار یا خدمت اجباری، غلامی یا اعمال شبیه غلامی، بردگی یا قطع اعضا می گردد. پروتکل مذکور توضیح می دهد که استخدام، انتقال، دست به دست کردن، اسکان یا تحویل گرفتن کودک به منظور استثمار «قاچاق انسان» دانسته می شود، حتی اگر از هیچ کدام از وسایل مذکور در بالا استفاده نشده باشد (حکیمی، ۱۳۸۷: ۲۳).

تعریف دیگر قاچاق انسان عبارت است از "استخدام، انتقال، تحویل گرفتن، پناه دادن، خارج یا وارد ساختن مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به وسیله تهدید یا بکارگیری زور یا دیگر اشکال تحمیل از قبیل اکراه، اجبار، خدعه یا نیرنگ، آدم ربایی... به منظور بهره کشی، فحشاء، خدمات اجباری" (بیابانی، ۱۳۹۰: ۲۵).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ قاچاق زنان را چنین تعریف می کند: «انتقال غیر قانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از سوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت های بهره کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی، برای سود به کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندبکاهای جنایتکار و نیز دیگر فعالیت های مرتبط با قاچاق، نظیر کار خانگی و اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین».

سازمان غیر حکومتی ائتلاف جهانی علیه قاچاق زنان نیز این پدیده را چنین تعریف می

کند: «همه اعمال متضمن به کارگیری و یا حمل و نقل یک زن در درون و در عرض مرزهای ملی برای کار یا خدمات به وسیله خشونت یا تهدید خشونت، سوءاستفاده از اقتدار یا موقعیت مسلط، اسارت، وام، فریب یا دیگر اشکال تحمیل». در ماده سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، مصوب سال ۲۰۰۰ ذکر شده است: «قاچاق، شامل استخدام، انتقال، حمل و نقل، پناه دادن یا دریافت اشخاص به وسیله تهدید یا به کارگیری زور یا دیگر اشکال تحمیل، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت، آسیب پذیری یا دادن یا دریافت پرداخت ها یا منافع، برای کسب رضایت فردی که بر شخص دیگری کنترل دارد، به منظور بهره کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، بردگی یا رویه های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اندام های بدن است» (امام علی زاد، ۱۳۸۷).

قاچاق انسان، پدیده بسیار گسترده جهانی است. اکنون این نوع قاچاق شامل مبادله افراد جهت کار در کارگاه های سخت، کار خانگی یا کشاورزی، ازدواج های اجباری یا فریب انگیز به صورت پستی و سفارشی و خرید و فروش زنان برای فروشندگی جنسی می باشد. هر چند مسئله قاچاق زنان در قرن اخیر موضوعیت پیدا کرده؛ اما باید توجه داشت خرید و فروش زنان برای فحشا در دوران باستان نیز رواج داشت و بخشی از خرید و فروش بردگان محسوب می گردید.

قربانیان قاچاق انسان بیشتر زنان جوانی هستند که با هدف سوءاستفاده جنسی و کار اجباری قاچاق می شوند. آنان از مناطقی از جهان هستند که نرخ بیکاری در آنجا بالاست. متأسفانه اکثر قربانیان با فرصت های شغلی پرمنفعتی در خارج کشور فریفته شده یا از طریق آگهی های روزنامه ترغیب می شوند (بیابانی، ۱۳۹۰: ۲۴).

متأسفانه پدیده نامطلوب قاچاق انسان در ایران نیز وجود داشته و با حداقل دو مقصد دویی و پاکستان قاچاق انسان مخصوصاً قاچاق زنان انجام می شود. استفاده از پوشش ازدواج صوری دائم یا موقت که دومی در ایران ثبت رسمی نمی شود و بیشتر برای استفاده

قاچاقچیان کاربرد دارد. تفاوت عمده قربانیان قاچاق به دویی و قربانیان قاچاق در پاکستان، در بی اطلاعی قربانیان قاچاق به پاکستان از این (موضوع است) که قرار است مورد قاچاق واقع شوند، این قربانیان با تصور ازدواج درگیر پدیده قاچاق می شوند ولی قربانیان قاچاق به دبی از سر استیصال و فقر با آگاهی به قاچاق تن می دهند و کم و بیش از عواقب آن مطلع هستند. در ایران آمار دقیقی از تعداد افراد قاچاق شده، میانگین سنی و ترکیب جنسیتی آن ها و مقاصد قاچاق وجود ندارد یا حداقل رسانه ای نشده است. قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳ به تعریف قاچاق انسان پرداخته و آن را این گونه شرح می دهد:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید و خدعه و نیرنگ و سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود یا سوء استفاده از موقعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم نمودن موجبات اختفا فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود (جعفری، ۱۳۹۱).

عوامل و ساختارهای آسیب زای اجتماعی در زمینه قاچاق زنان و دختران:

اینکه به برخی عوامل و ساختارهای آسیب زای اجتماعی که به رواج و گسترش پدیده قاچاق زنان و دختران کمک می کند و مصادیق جاری آن در جامعه می پردازیم:

۱- تغییر ارزش ها:

برخی از صاحب نظران فقر و بیکاری را عامل گرایش قاچاقچیان به این شغل کثیف می دانند ولی فقر به تنهایی عامل انحرافات اجتماعی نیست، بلکه فقر می تواند بر تحکیم و ثبات اجتماعی تأثیر بگذارد. نابرابری و تغییر ارزش ها یک جریان تهدید آمیز است. به عبارت دیگر فقر زمانی تأثیر گذار است که در مقابل آن تصویر یا گفتار یا آرزوهای بلند پروازانه ارائه شوند. هنگامی که ثروت ارزش محسوب می شود، بدون در نظر گرفتن

اینکه از چه راهی به دست آمده، نظام اجتماعی در معرض خطر قرار می‌گیرد. از سویی تغییر معیارهای ارزشی نسبت به سال‌های نه‌چندان دور در اغلب کشورها باعث شده که اخلاقیات از سوی نسل سرکش و تجددطلب کمتر مورد توجه قرار گیرد و بسیاری از مسائلی که برای پدران و مادران جوانان نسل کنونی، مسائل بسیار مهمی محسوب می‌شدند، از نظر نسل جوان هیچ‌انگاشته شوند. تن دادن به اقدامات خلاف اخلاق، خصوصاً از سوی زنانی که ممکن است صرفاً جهت دستیابی به درجات بهتری از زندگی، به این عمل آلوده شوند و به عنوان طعمه قاچاقچیان زن مورد استفاده قرار گیرند از جمله معضلاتی است که در دوران حاضر گریبان‌گیر بسیاری از زنان جوان به خصوص در کشورهای اروپای شرقی، آسیای جنوب شرقی، آفریقا و امریکای لاتین است (یزدیکخواه، ۱۳۸۸: ۱۳).

۲- گسترش خرده فرهنگ‌های منحرف:

معمولاً قاچاقچیان در جامعه، با فرهنگی زندگی می‌کنند که با ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه متفاوت و حتی مغایر می‌باشند. این فرهنگ انحرافی، محصول سواستفاده از وسایل ارتباط جمعی جهانی چون اینترنت، ماهواره و استفاده مداوم از فیلم‌های غیر مجاز است. افزایش شاخص‌هایی چون سنت‌گریزی، احساس‌تنهایی، بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و گرایش به تجملات، نشانه جذب فرد در خرده فرهنگ‌های منحرف می‌باشد. ضعف اعتقادات دینی نیز می‌تواند یکی از عوامل ارتکاب قاچاق زنان باشد. البته نباید چنین تصور شود که هر کس دچار ضعف اعتقادات است، حتماً به این عمل دست می‌زند.

نفوذ خرده فرهنگ‌های منحرف با توجه به آزادی‌های وسیع در کشورهای غربی، خیلی گسترده‌تر و تخریب‌کننده‌تر است، به نحویکه مصلحین اجتماعی را بفکر وادار کرده تا برای مشکلات موجود راهی بیابند. اما در کشوری مثل ایران که مردم به اصول و مبانی دینی و انسانی پایبندتر هستند، این خرده فرهنگ‌های مخرب، به صورت آرام و

تدریجی در حال رشد بوده و در صورتی که به حال آنها فکری نشده و جایگزین مناسبی برای آنها پیدا نشود، ظرف چند دهه یا حتی چند سال آینده فراگیر خواهد شد.

غالب گروه های غیردینی، که در قالب گروه های اجتماعی در کشورهای غربی فعالیت می کنند، گروه هایی هستند که به صورت پنهان یا آشکار ضدیت خود را با مبانی و اصول نسل های گذشته ابراز نموده و حتی بعضاً به این تضاد مباهات می کنند. این گروه ها تحت عنوان مبارزه با کهنه پرستی، هرچه را که متعلق به گذشته باشد محکوم نموده و از دین و سنتهای پیشینیان به عنوان خرافه و موهومات یاد می کنند. این روند اگر درباره مسائل علمی باشد، مذموم نیست و باعث پیشرفت و توسعه علمی است، اما درباره مسائل اجتماعی و اخلاقی، عملی بس مخرب و زیانبار است که جوانان غربی در حال حاضر ثمرات این تفکر را مشاهده میکنند و کمترین ضررهای آن، افزایش شدید آمار طلاق، بی بندوباری های مختلف، سستی بنیان خانواده به عنوان مهمترین رکن پرورش انسان، افزایش قتل و جرایم خشونت آمیز و تزلزل امنیت روانی و فکری مردم در شهرهای بزرگ و کوچک کشورهای غربی است (یزدیخواه، ۱۳۸۸: ۱۳).

۳- متناسب نبودن جرم و مجازات:

در شرایطی که یک قاچاقچی انسان دارای درآمد و موقعیت اقتصادی بالایی است و قانون هم متعرض او نمی شود به طور مسلم به سوی مشاغل کاذب و غیر قانونی همچون قاچاق زنان متمایل خواهد شد. «قاچاق انسان» کار پر درآمد و سود آوری است. درآمد تجارت سکس بیش از تجارت هروئین است و مواد اولیه این تجارت پرسود و شیطانی معمولاً از کشورهای جهان سوم تأمین می شود. زیرا در صورت شناسایی و دستگیری این باندها متقاعد کردن قربانیان به ارائه شهادت علیه این باندها بسیار دشوار است. این «برده های مدرن» در محل های اقامت خود هیچ وسیله دفاعی ندارند و هیچ نهاد رسمی از آنها پشتیبانی نمی کند. در نتیجه همه سرنوشت آنها در دست باندهای مافیای انسان است. در اکثر کشورهای اروپایی اگر این زنان بخواهند از اسارت دلالتان رهایی یابند، در بازداشتگاه

هایی گرفتار خواهند شد که برای باز پس فرستادن مهاجران غیر قانونی در نظر گرفته شده است. متأسفانه باید گفت قانونی نیز به طور مستقل در خصوص این معضل وضع نشده است لذا پرونده هایی این چنین در دادگاه ها معطل می مانند.

در صورتی که در یک جرم یا عمل ضد اجتماعی، کفه ترازوی ستانده ها (منافع حاصل از ارتکاب جرم) برای مجرم، سنگین تر از داده ها (مجازات های احتمالی ناشی از دستگیری) باشد، بدیهی است که ارتکاب جرم از نظر مجرم به صرفه تلقی می شود و برای انجام این گونه جرایم تمایل بیشتری ایجاد می شود. در جرم پرسودی مانند قاچاق زنان و دختران و سوء استفاده از آنان، اگر سیستم حاکمیتی جامعه مجازات سختی برای آن تعیین نکند، قاعدتاً افراد بیشتری بدان جلب و جذب شده و زمینه گسترش و اپیدمی شدن آن فراهم می شود (نمونه همین بحث در یکی دوسال اخیر، گسترش توزیع فیلم های خصوصی در جامعه (با توجه به رواج گسترده بلوتوث در میان جوانان) و باج خواهی یا سوء استفاده از زنان و دختران در قبال این گونه فیلم ها بود که با توجه به احساس خطر مسئولین دستگاه های قانونگذاری، قضایی و اجرایی کشور، قوانین بسیار شدیدی که حتی اعدام مجرم را نیز تحت شرایطی شامل می شود برای این جرم در نظر گرفته شد تا از افزایش و فراگیر شدن آن جلوگیری شود).

علیهذا به نظر می رسد درباره قاچاق زنان و دختران نیز باید در همه کشورها، قوانین به مراتب سختگیرانه تری به مرحله تصویب و اجرا برسد تا با سنگین تر کردن کفه مجازات ها، انگیزه مجرمین را برای ارتکاب جرم در این زمینه کاهش دهد.

شایان ذکر است قانون گذار ایرانی برای قاچاق کودکان اهمیت خاصی قائل بوده است و با اینکه در ماده ۳ این قانون مجازات قاچاقچیان انسان را به طور عام ۲ تا ۱۰ سال حبس و پرداخت جزای نقدی (در صورت عدم مشمولیت قانون مجازات اسلامی) دانسته اما بلافاصله در تبصره ۱ این ماده آورده است " چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام

داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افسار فی الارض نباشد مرتكب به حداكثر مجازات مقرر در این ماه محكوم می شود " (جعفری، ۱۳۹۱).

۴- نابرابری و تبعیضات جنسی:

نابرابری (تبعیض جنسی) در کشورهای توسعه نیافته از جمله مشکلات دیگری است که باعث توسعه خشونت های جنسی، کمبود کارهای سالم و قانونی برای زنان و دختران نیازمند کار و هموار شدن زمینه برای فعالیت قاچاقچیان زنان و دختران در این کشورها می شود. براساس گزارش "شکاف جنسی در جهان" منتشر شده در سال ۲۰۰۶ توسط مجمع اقتصادی جهان، از بین ۱۱۵ اقتصاد مورد بررسی در جهان که بیش از ۹۰ درصد جمعیت دنیا را در بر می گیرد، ایران از نظر کم بودن شکاف جنسی، رتبه ۱۰۸ را بدست آورده است.

۱۰ کشور نخست دنیا که دارای کمترین شکاف و فاصله جنسی هستند عبارتند از: سوئد، نروژ، فنلاند، ایسلند، آلمان، فیلیپین، زلاندونو، دانمارک، انگلستان، ایرلند.

لازم به ذکر است این گزارش مبتنی بر چهار شاخص اساسی زیر تدوین شده است:

الف. مشارکت و فرصت اقتصادی بر اساس دستمزدها، سطح مشارکت و دسترسی به اشتغال دارای مهارت بالا؛

ب. دسترسی به آموزش براساس دسترسی به آموزش ابتدایی و سطوح عالی تر؛

پ. توانمندی سیاسی بر پایه نمایندگی در ساختارهای تصمیم گیری سیاسی؛

ت. بهداشت و بقا بر اساس امید به زندگی و نسبت جنسی.

بدیهی است وجود دیدگاه های نابرابر جنسی در زمینه دستیابی به مشاغل، فرصتهای تحصیلی، پستهای دولتی و ... و در نظر نگرفتن شایستگیهای انسانی و مهارتی افراد (فارغ از جنسیت آنها)، باعث میشود زنان و دختران (خصوصاً آنانی که با مشکل بی سرپرستی یا بدسرپرستی مواجه می باشند) در کشورهای جهان سوم، به سادگی گرفتار دام های پهن شده در مسیر شوند و بپذیرند که به عنوان یک کالا مورد نقل و انتقال و حراج قرار گیرند و در قبال آن شرایط زندگی مناسب تری (به زعم خود) به دست آورند.

۵- نامناسب بودن وضعیت اقتصادی:

در بیشتر موارد کشمکش های درون خانواده، اعتیاد والدین، طلاق، مسکن نامناسب، مناطق پرجمعیت و حاشیه شهرهای بزرگ موجب می شوند تا تعدادی از دختران، محیط نامساعد خانه را ترک کرده و به درون جامعه بیایند. اما دسته ای از آنها به دلیل فقر اقتصادی خانواده، به این امر ننگین تن می دهند. گاهی نیز پدر خانواده، مجبور به فروش دختران خود می شود، البته مواردی از فرار دختران خانواده های مرفه نیز گزارش شده است.

تأثیر فقر اقتصادی در ارتکاب جرم از سوی محققین زیادی از جمله پیس بررسی شده است. وی در بررسی خود در این باره، نشانگان فقر را شامل مسکن نامناسب، تحصیلات ناکافی، شغل نامطلوب و نفرت از کسانی دانسته است که نظام اجتماعی را کنترل می کنند. وی می گوید: «نشانگان فقر تأثیر روانشناختی شدیدی در رویکرد فرد نسبت به جامعه و کنترل کنندگان جامعه دارد. افراد فقیر تماس بیشتری با نظام عدالت کیفری دارند» (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۲۸۴).

۶- پایین بودن سطح تحصیلات یا آگاهی های اجتماعی:

اغلب قربانیان قاچاق، از نظر مالی بسیار فقیر و از نظر تحصیلی در سطوح راهنمایی و دبیرستان و از نظر سنی حدود ۱۵ تا ۱۷ سال هستند. کارشناسان معتقدند دخترانی که طعمه این باندها می شوند، غالباً افرادی هستند که تحصیلات کمی دارند، با مشکلات مالی گریبان گیرند و یا دچار فقر فرهنگی و ضعف اعتقادات هستند؛ اما گزارشات اخیر نشان می دهد که بعضی از دختران دارای تحصیلات عالی نیز به این مسیر کشانده شده اند.

پایین بودن میزان تحصیلات و به طور کلی آگاهی های عمومی، از عناصری هستند که در واقع بسترساز و زمینه ساز وقوع جرم توسط قاچاقچیان زنان و پذیرفتن این جرم توسط قربانیان است و خود نقش مستقیمی در جرم مذکور ندارد وضعیت زنان قربانی قاچاق، بر حسب متغیر سن نیز چنین است: سن این افراد عموماً بین ۱۴ تا ۲۵ سال است. سن کم،

نشان دهنده میزان آسیب پذیری دختران (به لحاظ فکری و جسمی) در برابر سوء استفاده های جنسی است و اهمیت برخورد سریع و وسیع با این پدیده را یادآور می شود.

راهکارها و برنامه های مقابله با عوامل آسیب زا :

با توجه به شرایط امروز دنیا، آنچه بدیهی به نظر می رسد این است که باید برای مبارزه با قاچاق زنان راهکارهای جهانی ارائه شود که اولین گام وضع قوانین مناسب در مواجهه با این جرم بین المللی است. سازمان ملل قطعنامه ای با عنوان "بهبود همکاری و تلاش در جهت مقابله با قاچاق انسان ها" را با هدف تقویت مبارزه جهانی علیه قاچاق زنان و دختران را تصویب کرده است. این سند قاچاق انسان و به ویژه زنان و دختران را شکل جدیدی از بردگی در عصر حاضر عنوان کرده و آن را به عنوان یک جنایت برشمرده است. این سند، عمل قاچاق زنان و دختران را غیر قابل توجیه دانسته و برخلاف اساس حقوق بشر معرفی کرده است.

در این قطعنامه از کلیه دولت ها خواسته شده است که در جهت مبارزه و ریشه کنی قاچاق زنان و دختران اقدام کنند و با معضلاتی چون فقر، عدم توسعه، فقدان فرصت های مساوی، عدم دسترسی مناسب به آموزش و فرصت های شغلی برابر مبارزه کنند، زیرا هریک از این فاکتورها از جمله عوامل مهم در توسعه قاچاق بوده و قربانیان بیشتری را در بر خواهد گرفت. همچنین در این قطعنامه خواسته شده که عاملان اصلی قاچاق انسان تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و با آنان برخورد شود. این سند از سوی کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل در ماه اکتبر ۲۰۰۶ پذیرفته و در بیست دسامبر توسط مجمع تصویب شد (روزنه، ۲۰۰۷).

در نهایت باید اذعان داشت قاچاق انسان تهدیدی چند بعدی است، مردم را از حقوق بشر و آزادی هایشان محروم می کند، بر خطرات بهداشت جهانی می افزاید و به رشد جرایم سازمان یافته دامن می زند. قاچاق انسان تاثیر ویرانگری بر قربانیان که اغلب در معرض سوء استفاده جسمی و احساسی، تجاوز و تهدیدهای شخصی و خانوادگی، دزدی اسناد و حتی

مرگ قرار دارند، باقی می‌گذارد. اما تاثیر قاچاق انسان از افراد قربانی فراتر می‌رود، این مسئله، مبنای بهداشت، ایمنی و امنیت همه ملت‌هایی را که در معرض آن قرار می‌گیرند متزلزل می‌کند (شایگان، ۱۳۸۹: ۲۴).

مایکل لیمن و پوتر گری در مقاله جرم سازمان یافته نوشته‌اند: «جنایتکاری سازمان یافته پدیده‌ای پویا و منحصر به فرد است که تقریباً در تمام بخش‌های جامعه نفوذ دارد ولی از چند جنبه مهم با دیگر انواع اعمال جنایتکارانه متفاوت است، به عنوان مثال برخی اعمال که توسط سازمان‌های جنایتکار سازمان یافته انجام می‌پذیرد، قابل اجرا برای دیگر انواع باندها یا گروه‌های جنایتکار نیست» (لیمن و گری، ۱۳۸۰: ۲۱۸).

اکنون به طور کلی راهکارهایی را که می‌توان برای مبارزه با عوامل آسیب‌زا در زمینه قاچاق کودکان و زنان ارائه نمود بدین شرح خلاصه می‌نماییم:

۱- فراهم کردن محیط مناسب برای زندگی در روستاها و شهرهای کوچک:

دراختیار قرار دادن تسهیلات و امکانات مناسب زندگی در مناطق محروم به خصوص روستاها و شهرهای دورافتاده و کوچک عامل مهم و موثری برای جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرهای بزرگ و گرفتارشدن در عواقب این مهاجرت‌های نابسامان است. بدیهی است این گونه مهاجرت‌های بی‌رویه، با توجه به نبود کار و مسکن مناسب برای مهاجرین، جنبه‌های آسیب‌زای زیادی برای خانواده‌های مهاجرین به همراه دارد که عدم تامین معاش مناسب و فقر اقتصادی خانواده‌ها، عدم کنترل صحیح فرزندان در محیط بزرگ کلان‌شهرها به دلیل مشغله شبانه‌روزی والدین و توسعه سطح خواسته‌ها و آرزوهای فرزندان علیرغم نداشتن امکانات مالی لازم در خانواده از بدیهی‌ترین این معضلات می‌باشد.

۲- مقابله قانونی و برنامه‌ریزی شده با گروه‌های سازمان یافته قاچاق زنان:

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، گروه‌های قاچاق‌کننده زنان و دختران، گروه‌هایی مافیایی هستند که از امکانات مالی و شبکه‌ای زیادی برخوردار بوده و برای انجام اقدامات

خود از هر گونه کوششی دریغ نمی کنند. نفوذ در این شبکه ها توسط پلیس معمولاً بسیار مشکل است و در صورت نفوذ هم عناصر نفوذی با ریسک بسیار بالایی مواجه هستند. لذا بایستی با استفاده از اخبار و اطلاعات گسترده مردمی و توجه به مبادی و مقاصد قاچاق زنان و دختران در کشور، تمامی تلاش ها را به سمت این مبادی و مقاصد متمرکز نمود و با انجام کارهای اطلاعاتی گسترده، به طور همزمان نسبت به دستگیری اعضای شبکه های قاچاق در سطح کشور و نجات قربانیان آنها اقدام شود. روزنامه در کتاب پیشگیری از جرم می گوید: «شاید بهترین مدل برای درک مقوله پیشگیری مردمی از جرم، دیدگاه کاهش فرصت ارتکاب جرم است. نظریه پردازان این مدل پیشنهاد دارند که رفتارهای تبهکارانه ناشی از وجود فرصتی مناسب جهت ارتکاب جرم در یک مکان و زمان خاص می باشد و از بین بردن و یا کاهش این فرصت ها باید به کاهش جرایم منجر گردد» (روزنامه، ۱۳۸۱: ۳۲).

۳- فراهم کردن شرایط مناسب تر برای اشتغال زنان و رفع تبعیضات جنسی: با توجه به مشکلات زیادی که در زمینه اشتغال - به خصوص اشتغال زنان - در کشور وجود دارد، باعث می شود که برخی زنان و دختران نیازمند و بی سرپرست یا بدسرپرست، تن به خواسته های غیراخلاقی و اسارت در دام گروه های قاچاق زنان دهند و برای کسب شرایط زندگی بهتر، خود را در این ورطه گرفتار کنند. حمایت دولت از اقشار آسیب پذیر به خصوص خانواده های فاقد سرپرست و توجه کافی به وضعیت زنان و دختران مناطق محروم از یکسو و رفع تبعیضات جنسی در زمینه اشتغال و کسب موقعیتهای اقتصادی و اجتماعی توسط زنان، می تواند گامی مؤثر در زمینه از بین بردن بسترهای رشد و گسترش پدیده قاچاق زنان و دختران باشد.

۴- اصلاح قوانین موجود و وضع مقررات و مجازات های مناسب برای قاچاقچیان: بعضی از قوانین جاری بستر ساز اقدامات مجرمانه از سوی قاچاقچیان زنان هستند که باید اصلاح شوند. به عنوان مثال والدین می توانند دختران خردسال خود را به عقد مردان

بزرگسال دریاورند و یا ثبت ازدواج موقت الزامی نیست. قاچاقچیان با سوءاستفاده از این گونه قوانین می توانند نسبت به شکار قربانیان خود اقدام و پس از انتقال آنان به کشورهای خارجی نسبت به فروش آنان اقدام کنند. از طرفی با توجه به سنگین بودن هزینه این جرم برای جامعه، باید نسبت به سنگین تر کردن هزینه انجام آن برای مجرمین (با افزایش میزان مجازات ها و شدت عمل واقعی در برخورد با آنان) اقدام گردد. روشن است تا زمانی که ارتکاب جرم قاچاق انسان، سود سرشاری برای قاچاقچیان داشته باشد ولی از شدت عمل لازم قانونی برای برخورد با آنان خبری نباشد، ریسک ناشی از ارتکاب جرم برای قاچاقچیان به صرفه خواهد بود.

۵- افزایش آگاهی های عمومی و حذف سانسور در اطلاع رسانی لازم به مردم:

یکی از معضلات مهم در کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه، سانسور در اطلاع رسانی لازم به مردم و پرهیز از ارایه اطلاعات کامل و لازم به افراد جامعه جهت مقابله اندیشمندانه و آگاهانه آنان با اهداف و اقدامات مجرمین است که تقریباً همه متولیان امر به آن اذعان دارند اما در جهت اصلاح وضع موجود گامی برداشته نمی شود. نظیر این وضع در مورد مبارزه با سایر جرایم و حتی بیماری هایی مثل ایدز وجود دارد که برای پرهیز از بدآموزی، اصل موضوع هم به ورطه فراموشی سپرده می شود. تا زمانی که خودسانسوری و عدم ارایه شفاف اطلاعات به مردم در رسانه ها به عنوان روش جاری وجود داشته باشد، سوءاستفاده مجرمین از این وضعیت امری بدیهی و حتمی خواهد بود. افزایش آگاهی های مردم می تواند از طریق رسانه های جمعی دولتی مانند صدا و سیما و روزنامه های وابسته به دولت پرداخت هزینه به روزنامه های غیردولتی و نیز از طریق آموزشهای همگانی سازمان ها و نهادهایی مثل نیروی انتظامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهایی نظیر آنها صورت گیرد. شفاف کردن اقدامات مجرمین و قاچاقچیان زنان و روش های جذب افراد توسط آنان، سرنوشت و عاقبت شومی که در انتظار این زنان خواهد بود، مصاحبه با نفراتی از قربانیان و قاچاقچیان دستگیر شده و توضیح موضوع به صورت مستقیم از زبان آنان برای

مردم و پخش این گونه برنامه ها در ساعات مناسب که مخاطبین جوان را تحت تأثیر قرار دهد می تواند تأثیرات خوبی را بر روی اقشار هدف این جرم داشته باشد. برنامه های آموزش همگانی نیروی انتظامی در مدارس و اماکن عمومی هم در صورتی که به نحو مطلوب و مناسبی برنامه ریزی شوند می توانند به طور مستقیم نسل نوجوان و جوانان را تحت آموزش قرار دهند.

۶- بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی اقشار محروم جامعه و کم کردن فاصله طبقاتی: بهبود وضعیت اقتصادی افراد جامعه از عوامل مهمی است که در پیشگیری از وقوع اغلب جرایم نقش مؤثری دارد. اگر بسیاری از افرادی که در حال حاضر در زندان ها هستند دچار مشکلات مالی نبودند، همانند سایر افراد زندگی خوبی داشتند و ناچار به ارتکاب جرم نمی شدند. روشن است که زیاده خواهی های برخی افراد نیز از عوامل مهم گرایش به جرایم است، اما عمومیت موارد در جرم قاچاق زنان مربوط به اقشار ضعیف و فقیر جامعه است که به راحتی فریب قاچاقچیان را خورده و اسیر اقدامات منفعت طلبانه آنان می شوند. مسلم است که با بهتر شدن وضعیت اقتصادی عموم افراد جامعه، میزان جرایم هیچگاه صفر نخواهد شد لیکن با نگاهی به جوامع توسعه یافته، می توان دریافت که جرایم خاصی مانند قاچاق زنان و دختران در این کشورها، روندی یکطرفه دارد (از کشورهای فقیر به کشورهای غنی) و اقشار غنی اقتصادی عموماً از قربانی شدن در جرایمی نظیر این بدور هستند. دکتر رفیع پور در کتاب توسعه و تضاد می گوید: «وقتی پول و ثروت با ارزش شود و از یک طرف در انسان ها نیاز به انواع کالا به وجود آید و همزمان در آمدشان کاهش یابد و در نتیجه انسان ها نیاز شدید به پول داشته باشند ولی امکانات برایشان فراهم نباشد و همه راه های مشروع بسته باشد و همچنین سیستم کنترل درونی (مذهب) آنها و سیستم کنترل بیرونی تضعیف شود، آنها برای ارضاء نیازهای شان به راه های نامشروع روی می آورند و هر کس به تناسب پایدی ها و سیستم کنترل درونیش به کارهای نامشروع با درجه نامشروعیت متفاوت دست می زند (رفیع پور، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

لذا تقویت وضعیت اقتصادی خانواده ها بایستی همزمان با تقویت ارزش های معنوی در جامعه، تقویت سیستم کنترل درونی و مذهبی افراد و تقویت سیستم کنترل بیرونی (پلیس و دستگاه قضایی) صورت گیرد تا ثمربخش باشد.

۷- گسترش اصلاحات فرهنگی و اخلاقی در جامعه و اقشار هدف:

همان گونه که قبلاً هم گفته شد، فقر یکی از عوامل مهم ارتکاب جرایم است اما بسیاری از اقشار فقیر جهت حفظ آبرو و مسائل اخلاقی، پا را از محدوده راستی و عفاف فراتر نمی گذارند و علیرغم تحمل سختی ها، حاضر نمی شوند که سایرین از مشکلات اقتصادی آنان حتی باخبر شوند. اما این فرهنگ در حال حاضر در جامعه ما رو به اضمحلال است و با گذشت زمان کم رنگ تر می شود. وقتی در مجالس و اماکن، فیلم های سینمایی و فرهنگ عمومی مردم، داشتن ثروت، منازل بزرگ و خودروهای گرانقیمت تبلیغ می شود بدون آنکه راه رسیدن به این اهداف در دسترس عموم جامعه باشد، نتیجه آن می شود که اغلب افرادی که تحت تأثیر این تبلیغات قرار می گیرند، به دنبال راهی میان بر جهت نیل به اهداف باشند تا راه صدساله را یک شبه پیمایند و این میسر نخواهد شد جز با ارتکاب اعمال غیر قانونی و خلاف اخلاق. حال اگر عموم افراد جامعه از بنیه مذهبی، فرهنگی و اخلاقی محکمی برخوردار نباشند و به سادگی تسلیم امیال و هوس های زود گذر شوند، ارتکاب جرایم به صورت گسترده ای باب خواهد شد و حتی قبح آن تحت تأثیر شرایط نامناسب موجود قرار خواهد گرفت. لذا تقویت بنیه مذهبی و اخلاقی جامعه (به صورت مستمر و فراگیر)، از مهمترین وظایفی است که گردانندگان آن باید مدنظر قرار دهند و لحظه ای از آن غافل نشوند. دکتر مهدی کی نیا در جلد دوم کتاب ارزنده خود با عنوان مبانی جرم شناسی (جامعه شناسی جنایی) به نقش مهم مذهب و ارتباط آن با پیشگیری از ارتکاب جرم اشاره کرده و می گوید: « مذهب راه است، راهی از بشر بودن به سوی انسان شدن، راهی به سوی تعالی روانی حرکت در شاه راه، گم شدن ندارد، ثمره آن رسیدن به مقصد مطلوب است، اما خروج از شاه راه و به بیراهه رفتن، علاوه بر گم

گشتگی و تحمل رنج و عذاب، به مقصد نرسیدن، نومی‌دی، ناکامی و سقوط در منج‌لاب
 رذالت و بدبختی است» (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۲۳۹).

بایسته‌های وظایف ناجا در مبارزه با قاچاق زنان و دختران (پیشنهادها):

در اینجا وظایفی را که به نظر می‌رسد نیروی انتظامی را در امر مبارزه با قاچاق زنان و
 دختران کارآمدتر می‌کند به صورت خلاصه ذکر می‌کنیم:

۱- ایجاد سازوکار ویژه مبارزه با قاچاق زنان:

با عنایت به اینکه پیشگیری و مقابله مستمر با قاچاق زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار
 است، به نظر می‌رسد لازم است در پلیس فرودگاه‌ها، راه آهن، گذرنامه، مناطق مرزنشین
 و پاسگاه‌های مناطق مرزی و ساحلی، ساختار ویژه‌ای جهت انجام ماموریت مقابله با
 قاچاق زنان و دختران دیده شده و با حساس کردن این یگان‌ها نسبت به مسئله قاچاق زنان
 و دادن آموزش‌های خاص به آنها، اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی این یگان‌ها با طی
 سلسله مراتب مربوطه به بخشی مشخص در نیروی انتظامی استان ذیربط و ناجا ارسال شود
 تا ضمن تجزیه و تحلیل اطلاعاتی و پیدا کردن روابط شبکه‌ای و پنهان از میان اطلاعات
 واصله، برنامه ریزی‌های لازم برای نابودی شبکه‌های قاچاق به صورت فرایگانی و
 فرمانطقه‌ای دیده شود و با استفاده از متخصصان امر نسبت به دستگیری سران و عوامل
 شبکه‌های مافیایی قاچاق انسان اقدامات قانونی بایسته صورت گیرد.

بدیهی است با توجه به اهمیت ویژه‌ای که جرم قاچاق زنان از نظر شرع انور اسلام،
 دیدگاه عمومی مردم و حفظ کرامت انسانی دارد، مبارزه با این جرم باید به صورت سازمان
 یافته و با استفاده از بانک اطلاعات قوی که در این زمینه تشکیل می‌شود صورت گیرد. لذا
 با توجه به شبکه‌ای و پیچیده بودن این جرم، به نظر می‌رسد بهترین مرجع رسیدگی به آن
 پلیس اطلاعات ناجا می‌باشد که می‌تواند با بهره‌گیری از اطلاعات سایر سازمان‌ها و
 نهادهای اطلاعاتی، اقدامات ویژه‌ای را در راستای مقابله با این جرم به انجام رساند، بدون

آنکه (با در نظر گرفتن فاکتورهای اطلاعاتی) دچار سوختن اطلاعات و یا وارد شدن آسیب به قربانیان، شهود و مطلعین گردد.

۲- تعیین تلفن ویژه تماس برای قربانیان، شهود و مطلعین :

با توجه به پنهان و سری بودن عملیات باندهای قاچاق زنان و دختران، کوچکترین اطلاعات درخصوص آنها با ارزش بوده و باید با اعلام تلفن ویژه ای این گونه اطلاعات مستقیماً به بخش مشخصی در اطلاعات ناجا گزارش شود تا ضمن جلوگیری از لورفتن اطلاعات، استفاده به موقع و سریع از آنها به عمل آمده و قبل از هرگونه اقدامی شواهد و مدارک لازم در این راستا جمع آوری گردد. بدیهی است استفاده از تلفن ۱۱۰ نیز در این راستا در صورتی کارآمد خواهد بود که بلافاصله ارتباط مستقیم با رده اطلاعات ذیربط به عمل آورده و به صورت ویژه ای به موضوع از طریق یگان تخصصی رسیدگی گردد.

از سوی دیگر، از این خط تماس می توان (با بهره گیری از کارشناسان مجرب) برای راهنمایی قربانیانی که قصد آزادی از چنگال قاچاقچیان را دارند و همچنین آموزش و راهنمایی افراد در معرض خطر و افراد نجات یافته ای که در نتیجه اسارت در چنگ قاچاقیان، در زندگی خود با مشکلات مواجه شده اند استفاده نمود.

۳- همکاری نزدیک و انجام هماهنگی های لازم با دستگاه قضایی :

باتوجه به اینکه قضات در مناطق مختلف کشور ممکن است با حساسیت های موضوع مبارزه با قاچاق زنان و شگردهای مختلف مجرمین در این زمینه آشنایی کامل نداشته باشند و احکام مناسبی را برای عوامل اجرایی قاچاق زنان (که غالباً انسان های قابل ترحم و بیچاره ای هستند) صادر نکنند، لازم است با هماهنگی های لازم این حساسیت در عموم محاکم قضایی ایجاد شده و همچون بحث مبارزه با اراذل و اوباش که همکاری بی نظیر و شایسته ای با نیروی انتظامی به عمل آمد، در این راستا نیز همکاری تنگاتنگ و خوبی پیش بینی شود و با صدور احکام جزایی سنگین برای قاچاقچیان اصلی و خرده پاره (با به نسبت

مسئولیتشان) و تبلیغ و اطلاع رسانی این احکام از رسانه ها، سنگین بودن هزینه این جرم برای مجرمین تداعی شود تا از ارتکاب اعمال مجرمانه در این زمینه منصرف گردند.

از سوی دیگر تجدید نظر در مفاد قانون مبارزه با قاچاق انسان و تشدید مجازات افرادی که قصد استفاده غیراخلاقی از قربانیان (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) را دارند، باعث می شود که هزینه ارتکاب جرم مذکور برای مجرمین سنگین تر شده و خطرپذیری آن افزایش یابد. لذا ارایه لایحه ای در این زمینه که توسط قوه قضاییه و با هم فکری نیروی انتظامی تهیه شود، نقش مؤثری در افزایش خطرپذیری قاچاقچیان انسان برای انجام این جرم خواهد داشت.

۴- در نظر گرفتن پاداش مناسب برای مخبرین:

با توجه به وجود ریسک بالا و حتی خطر کشته شدن توسط عوامل باندهای مافیایی قاچاق انسان در خصوص معرفی و اعلام اطلاعات آنها به مراجع قانونی، لازم است مانند سایر کشورها که پلیس برای همکاری کنندگان با خود جوایز و پاداش های مناسب و ارزنده ای را در نظر می گیرد، در کشور ما نیز این موضوع رسمیت یافته و انگیزه های لازم برای مخبرین و افراد عادی در این راستا ایجاد شود. بدیهی است استفاده از اطلاعات گسترده مردمی و اطلاعات موثق مربوط به منابع و مخبرین، یکی از اساسی ترین روش های پلیس در کشورهای پیشرفته است و هزینه سنگینی که صرف پیشگیری انتظامی از جرم می شود، با جذب اطلاعات مردمی و برخورد قانونی و سریع با مجرمین می تواند کاهش یابد، چراکه اگر مجرمین حس کنند در صورت ارتکاب جرم، حتماً از طریق مردم یا حتی نزدیکان خود (به خاطر کسب پاداش پلیس) لو خواهند رفت، حتماً در ارتکاب جرم تجدید نظر خواهند کرد. دیوید اچ بیلی در کتاب پلیس آینده می گوید: «پلیس نمی تواند مسئله جرم را به تنهایی حل کند. پلیس در شناسایی مجرمان احتمالی، اطلاع دادن جرایم احتمالی یا واقعی و دادن اطلاعاتی که منجر به دستگیری و مجازات مجرمان شود نیازمند یاری مردم می باشد. پیشگیری از جرم جزو خدماتی نیست که به مردم داده شود، بلکه فعالیتی است

که مردم باید در آن مستقیماً شرکت کنند. مردم باید دست اندر کار تأمین امنیت اجتماعی شوند» (بیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۵).

۵- در نظر گرفتن تشویقات برای مأمورین اجرایی (کاشفین و دست اندر کاران):

هر چند انجام اقدامات قانونی از سوی پلیس در زمره وظایف وی بوده و افراد پلیس برای انجام وظایف قانونی خود پاداشی را مطالبه نمی کنند، اما در نظر گرفتن پاداش از سوی سازمان متبوع باعث افزایش انگیزه های آنان در مبارزه با جرایم می شود (نظیر این موضوع در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر هم دیده می شود که مأمورین در برابر کشفیات خود پاداش دریافت می کنند). لذا پیش بینی این سیستم پاداش دهی در زمینه مقابله با قاچاق زنان و دختران نیز تاثیر خوبی بر روی نیروهای عمل کننده و افزایش انگیزه های آنان خواهد داشت. نکته قابل توجه آن است که عموم نیروهای پلیس، به دلیل وجود مشکلات فراوانی که در امر مبارزه با قاچاق زنان و دستگیری زنان و دختران وجود دارد و حساسیت های عمومی درون سازمانی نسبت به مسائل حوزه مفاسد اجتماعی، کمتر به فعالیت در این زمینه ها گرایش دارند و سعی می کنند حتی الامکان از این گونه مأموریت های پردردسر دوری جویند لذا پیش بینی پاداش ها می تواند تا حدی انگیزه های آنان را تحت تاثیر قرار دهد. پرداخت فوری و مطابق استاندارد تعیین شده به مأمورین، همواره نقش مؤثری در افزایش کشفیات در زمینه های مختلف داشته و با توجه به پیچیدگی و سازمان یافتگی جرم قاچاق زنان، این پاداش ها باید متناسب با کار اطلاعاتی باشد که در این زمینه صورت می گیرد.

۶- حمایت قانونی و قضایی لازم از مخبرین و مأمورین:

با عنایت به زیرک بودن گردانندگان باندهای مافیایی و استفاده مستمر آنها از ابزارهای شبه قانونی جهت درست و قانونی جلوه دادن اعمال مجرمانه، اغلب خیردهندگان و مأمورین پلیس از اینکه در معرض اتهامات واهی سران این گروه ها و وکلای زبردست آنها قرار گیرند یا به انحاء مختلف مورد اذیت و آزار قرار گیرند هراس دارند. در صورتی که

خبردهندگان و مأمورین مطمئن باشند که از سوی دفتر حقوقی ناجا و حتی در صورت لزوم از سوی وکلای توانمند خارج از ناجا (با هزینه ناجا یا سیستم قضایی) تحت پشتیبانی قرار می‌گیرند، هراس کمتری در این راستا به خود راه می‌دهند و از احتیاطات خود برای همکاری همه‌جانبه با سیستم قضایی خواهند کاست. دکتر وروایی در کتاب پلیس جامعه محور می‌گوید: «علاوه بر استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات عمومی آحاد مختلف اجتماع، پلیس همچنین می‌تواند از طریق جلب مشارکت و همکاری عملی گروه‌های مختلف جامعه، به طرق مختلف سطح کارآیی و راندمان کاری خود را ارتقاء بخشد. در واقع می‌توان اولین نتیجه همکاری مردم با پلیس در سطح درون سازمانی را ارتقای کارایی سازمان پلیس دانست، بدین ترتیب پلیس می‌تواند با کمک افراد و اقشار مختلف جامعه عملکرد بهتری در راستای انجام وظایف سازمانی خود داشته باشد (وروایی، ۱۳۸۴: ۳۳).

تصویب قانونی جامع در زمینه حمایت از شهود (که جای خالی آن در قوانین جاری کشور به چشم می‌خورد) نیز یکی از راهکارهای مؤثر در مبارزه با جرایم سازمان یافته و به خصوص جرایم مرتبط با قاچاق انسان و زنان می‌باشد که مسئولین قضایی، سیاسی و پارلمانی، باید به طور جدی آن را دنبال کرده و به نتیجه برسانند.

۷- توجیه و آموزش کافی نیروهای عمل کننده:

افزایش انگیزه‌های مأمورین پلیس در زمینه مقابله با قاچاق زنان می‌تواند علاوه بر اینکه از طریق در نظر گرفتن پاداش‌های مالی صورت گیرد، از طریق آموزش آنان و یادآوردن مخاطرات و مشکلات عدیده‌ای که قاچاق زنان و دختران برای خانواده‌های قربانیان، جامعه و حیثیت کشور ایجاد می‌کند صورت گیرد. تهیه فیلم‌های مستند و داستانی در این زمینه و شرح مخاطرات قربانیان و درد و رنج‌هایی که در این راستا متحمل شده‌اند، می‌تواند انگیزه‌های مذهبی و انسان‌دوستانه مأمورین را تحریک کرده و آنها را به نحوی وادار به پذیرش مخاطرات ناشی از انجام این مأموریت خطیر نماید. از طرفی توجیه کامل مأمورین در استان‌ها و یادآوری حساسیت‌ها و نکات ریز موجود در مقابله پلیسی با قاچاق

زنان و دختران می‌تواند در تضمین موفقیت مأموریت‌های انجام شده در این زمینه نقش مؤثری داشته باشد.

۸- برقراری ارتباط تنگاتنگ قضایی و پلیسی با دیگر کشورهای ذینفع:

از آنجا که لازمه مبارزه با جرم پیچیده قاچاق انسان و گروه‌های مافیایی دست‌اندرکار آن، داشتن اطلاعات طلایی از وضعیت، امکانات، محل‌های استقرار، مسیرهای تردد و اسکان قاچاقچیان و قربانیان و سایر اطلاعات لازم در این باره است، لذا دسترسی به این اطلاعات می‌طلبد تا هماهنگی فوق‌العاده‌ای بین نیروهای پلیس و دستگاه قضایی کشورهای درگیر این جرم با یکدیگر وجود داشته باشد.

در صورتی که این هماهنگی‌ها در سطح خوبی وجود داشته باشد و در کشورهای همسایه نیز اراده جدی برای مقابله با جرم مذکور مشاهده شود، می‌توان امیدوار بود که تا حد زیادی پیشگیری و مقابله با قاچاق زنان در منطقه موفق خواهد بود، در غیر این صورت، با توجه به سازمان‌یافتگی باندهای توان‌فرسایشی قاچاق انسان و نفوذ آنها در میان برخی مسئولین محلی و دولتی کشورهای مجاور، مبارزه با این پدیده بسیار سخت و توان‌فرسا بوده و موفقیت کمتری در این باره حاصل خواهد شد. لذا توجه به ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای و برگزاری نشست‌های هماهنگی با حضور مسئولین ذیربط در کشورهای منطقه (و یا مطرح کردن موضوع در حاشیه سایر نشست‌های امنیتی منطقه‌ای) نقش مؤثری در موفقیت اقدامات مذکور خواهد داشت.

منابع:

- اشتری، بهناز، مقاله قاجاق زنان و آسیب های اجتماعی، منتشره در بهمن ۱۳۸۱، اخذ شده در آبان ۱۳۹۱ از آدرس اینترنتی: <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/123349>
- امام علی زاد، علیرضا، مقاله تاریخچه قاجاق زنان، منتشره در اسفند ۱۳۸۷، اخذ شده در آبان ۱۳۹۱ از آدرس اینترنتی: <http://amamali87.blogfa.com/post-132.aspx>
- بیلی، دیوید-اچ، پلیس آینده، ترجمه غلامرضا زندگی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۹.
- بیابانی، غلامحسین، قاجاق زنان یا تجارت جرم، چاپ اول، تهران: نشر اداره کل پلیس بین الملل ناجا، ۱۳۹۰.
- بیابانی، غلامحسین، سازمانهای جنایی و قاجاق زنان، فصلنامه نظم و امنیت، سال چهارم، شماره اول، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۹۰.
- جهانتاب- محمد، ارتقای مشارکت محلی در پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری، ۱۳۸۹.
- جعفری، غلامرضا، مقاله قاجاق انسان (زنان و کودکان) در اسناد بین المللی، اخذ شده در آبان ۱۳۹۱ از آدرس اینترنتی: <http://hemayatazkdakan.persianblog.ir/page/3>
- حکیمی، اسماعیل، مقاله قاجاقبران در کمین کودکان، منتشره در خرداد ۱۳۸۷، اخذ شده در آبان ۱۳۹۱ از آدرس اینترنتی: <http://markaz-huquq.blogfa.com/post-10.aspx>
- روزنبا، دنیس-پ، پیشگیری از جرم، ترجمه حمیدرضا حبیبی، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۱.

- روزنه، سازمان ملل قطعنامه مبارزه با قاچاق زنان و دختران را تصویب کرد، منتشره در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۷، اخذ شده در بهمن ۱۳۹۱ از آدرس اینترنتی:
<http://newslolo.blogfa.com/post-33.aspx>
- شایگان، فرهاد، تدابیر جامعه جهانی برای مبارزه با قاچاق انسان، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، سال اول، شماره سوم، تهران: نشر اداره کل پلیس بین الملل ناجا، ۱۳۸۹.
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی (جامعه شناسی جنایی) - جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- لیمن و گری (مایکل - لیمن و پوتر - گری)، آشنایی با جرم سازمان یافته، ترجمه محمدعلی کریمی (چاپ شده در فصلنامه دانش انتظامی شماره ۴ سال سوم)، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۰.
- یزدیخواه، مهدیه السادات، نقش اینترنت در مبارزه با قاچاق زنان، ویژه نامه اینترنتی ناجا در تیر ۱۳۸۸، تهران: انتشارات اینترنتی ناجا، ۱۳۸۸.